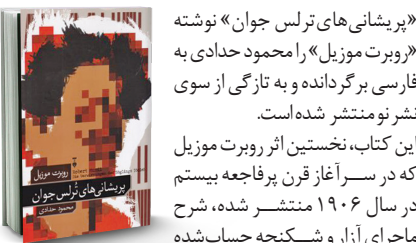


رمان خارجی

## پیشانی‌های تر لس جوان



«پیشانی‌های ترلس جوان» نوشته «روبرت موزیل» را محمود حدادی به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی نشر نو منتشر شده‌است. این کتاب، نخستین اثر روبرت موزیل که در سراسر آفاق پر فاجعه بیستم در سال ۱۹۰۶ منتشر شده، شرح ماجرای آزار و شکنجه حساب‌شده پسری دبیرستانی به‌دست همکلاس‌هایش است و موشکافانه نشان می‌دهد که چگونه در پس پوسته نازک متانت مدنی آدم‌ها، غریزی موخش و قهر آلود و بدوی زیانه می‌کشند. شخصیت‌ها در این داستان، با نگرش خردستیز و کنش خشونت‌بار خود، همچون نماینده و نماد انحطاط اشرافیته جامعه‌ای غربی ظاهر می‌شوند که در آن، نیک‌خواهی خانه‌نشین و منطقی آشفته می‌شود و جست‌وجوی یقین به درد و درماندگی می‌انجامد. موزیل از جهان فن و فلسفه به دنیای هنر گام نهاده بود و ابتدا در مورد اینکه خودش این داستان را بنویسد دودل بود، برای همین موضوعش را به ۲ تن از دوستان نویسنده‌اش عرضه کرد؛ اما چون این دو شانه خالی کردند، در ۱۹۰۳، خود به نگارش آن روی آورد. «پیشانی‌های ترلس جوان» در ۱۹۰۶ انتشار یافت و روانکاو ی باریکاندیشانه‌ای که در هر صفحه آن نمودی عیان می‌یافت، همراه با پیگیری داستان در باز پرداخت بی‌پروای واقعیت، ستایش بسیار برانگیخت و نویدبخش آینده‌پراری برای نویسنده جوان آن شد. واقعیت وقوع فاشیسم در قاره اروپا، آن‌هم درست چند دهه بعد از نگارش این رمان، تأییدی درنکاب بر نگاه‌بین‌بین روبرت موزیل، این نویسنده بزرگ ادبیاتی، بود که در ادبیات کلاسیک نوین او را با مارسل پروست و جیمز جویس مقایسه می‌کنند. این رمان ۲۰۳صفحه‌ای به بهای ۸۷۰تومان منتشر شده‌است.

## گپ < رضا آشفته روزنامه‌نگار

سال‌هاست که آرش دادگر در مقام کارگردان بر صحنه تئاتر فعالیت می‌کند و در این راه سخت کوشیده‌است و با همین سخت بودن بر دوام و بقای حقیقی‌اش تأکید ورزیده‌است. او این روزها نمایش «پیش از کشتن» را در تالار شماره ۲ پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه دارد؛ نمایشی پرآمده از متون یونان باستان اما به لحن و بیان امروزی دربارۀ جنگ، خیانت و کشتن در یک بستر خانوادگی… اینها دلایلی است برای یک گفت‌وگوی چندجانبه با این کارگردان خوشفکر که در ادامه می‌خوانید:

### شما علاقه خاصی به یونان باستان دارید و چندین بار بنا بر ادبیات کلاسیک یونان متونی را بازنویسی و کار کرده‌اید، دربارهٔ این علاقه بگویید.

من علاقه مستقیم به آثار کلاسیک دارم. از سال‌ها پیش و ابتدای دهه ۸۰ در گروه تصمیم بر این شد که پروژه‌های نمایشی ما، کار بر متون کلاسیک، رمان و داستان‌ها باشد؛ برای به اجرا درآوردن آنها به آثار مدرن و فضای امروزی تا بتوانیم راهکارهای جدیدی را در شیوه اجرایی و بیان شرایط اجتماعی روزگار خودمان به‌دست آوریم. به همین خاطر این پروژه را از ابتدای دهه ۸۰ آغاز کردیم و تا امروز نیز ادامه دادیم. شاید این پروژه، آخرین پروژه در این زمینه باشد و شاید هم با مکتب به اتمام برسد. اما علاقه مستقیم به آثار یونان باستان، نه به این جهت و قطعیت؛ بیشتر توجه من به شکسپیر بوده و این سومین کاری است که من روی آثار یونان باستان انجام داده‌ام؛ «آژاکس» در سال ۸۲، «ادیسه» در سال۹۵ و حalah هم که «ترپلوزی اورستیا» در ۱۴۰۱. علاقه من به متون کلاسیک به این خاطر است که در آنها یک فشرده‌گی بسیار زیادی وجود دارد و در متن، مناسبات و روابط، بسیار پنهان شده‌ هستند. البته خاصیت آثار کلاسیک یونان باستان این است که همه چیز را بر ملا می‌کنند؛ آشکارسازی می‌کنند و همان ابتدای کار، همه‌چیز عنوان می‌شود و شرایط اجتماعی برای من بسیار جذاب‌تر است؛ صدایی که نهفته است یا خاموش شده. در آثار شکسپیر اما این زیرمتن‌ها بسیار گسترده‌تر هستند و تمام کاراکترها آنچه می‌گویند با آنچه عمل می‌کنند متفاوت است. این علاقه و به‌عبارتی این کشف یعنی که من دوست دارم زیرمتن‌ها را کشف کنم آنها را مترپال کار قرار دهم.

**آیا پیش از کشتن بنا بر متون خاصی بازنویسی شده؟**

نمایشنامه پیش از کشتن، برداشتی آزاد است از ترپلوزی اورستیا، نوشته آیسخولوس و همینطور نمایشنامه الکتر، نوشته سوفوکلس.

**این معاصرسازی‌ها متن‌دلیل خاصی دارد؟**
بله. دلیل خاصی که وجود دارد همان فشرده‌گی‌ای است که در متن انفساق می‌افتد. جهان‌های پنهان و پنداپدی بسیار زیادی وجود دارد و صداها و کاراکترهای انباشته‌ای است که در نمایشنامه‌های کلاسیک وجود دارد و ما در نمایشنامه‌های کلاسیک می‌رقیم تا تئاتر را بشنویم؛ نه اینکه تئاتر را ببینیم. به همین خاطر تماشاگر، تحیل می‌کرده. ولی امروز می‌رویم تـا تئاتر ببینیم نه اینکه بشنویم. پس برای من جذابیت بیشتری دارد که بتوانم متن را کالبدشکافی کنم و از درون این کالبدشکافی به آن انگیزه‌های درونی دست پیدا کنم و آنها را ابزارها و مترپال‌هایی در نظر بگیرم تا برای ساخت‌وساز کار، مترپال بیشتری در اختیار داشته‌باشم تا بتوانم جهان گسترده‌تری را ارائه دهم. چون امروز تئاتر می‌بینیم؛ نه اینکه بشنویم. معاصرسازی با دلایل خاصی صورت می‌گیرد. ۲ دهه است که

## فرهنگ



نمایش از نمایش «پیش از کشتن» ،مکتب رضا خاویزی

# صدایی که نهفته یا خاموش است

*گفت‌وگو با آرش دادگر، طراح و کارگردان نمایش «پیش از کشتن»*

داریم این کار می‌کنیم و در همه نمایشنامه‌های قبلی‌مان چه در دهه ۸۰ در «مکتب»، «شالپر» در رمان‌هایی که کار کرده‌ایم؛ از کارور، از آلن رب‌گریه یا در دهه ۹۰ در ادیسه، «هملت»، «اسب»، «او» و همه اینها تلاش بر این شده که این معاصرسازی اتفاق بیفتد و دلیلش هم به خودش را داده. تلاش بر این است که به یاد بیاوریم. این معاصر سازی برای به یاد آوردن و دوباره کشف کردن و دوباره لمس کردن است. تا اینکه مستقیما به یک موضوع امروز خودمان بپردازیم.

**رابطه شما به‌عنوان کارگردان و نویسنده در خلق آثار چگونه اتفاق می‌افتد؟**
تکنیک همیشگی گروه تئاتر کوانتوم بر این اساس بوده که کارگردان و نویسنده از شروع نوشتن با هم در گفت‌وگو باشند و به‌هیچ‌وجه ما این قضیه را نداشتیم که نویسنده متنی را کامل بنویسد و در اختیار کارگردان قرار دهد. ما به‌صورت یک پروژه، پروژه‌های از تحقیقات و گفت‌وگوها و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات شروع می‌شود تا بتوانیم به متنی دست پیدا کنیم که این خاصیت را داشته‌باشد که هنگام تمرین باز هم گسترده شود و توانایی رشد داشته‌باشد.

**گروه بازیگران در فرایند نوشتن متن اوچرا چه حضور خلاقانه دارند؟**
ابتدا یک استراکچری از متن را با نویسنده به‌دست می‌آوریم. بعد نویسنده شروع به نوشتن پازل‌های نمایشنامه می‌کند. بیشتر متن‌های ما قطعات بودند؛ قطعاتی که نویسنده روی آنها کار می‌کند و دوباره و دوباره اصلاح می‌شود تا ما به یک ترکیبی دست پیدا کنیم و شروع و انتهای داشته‌باشیم. این رشد و این تغییر باز هم هنگام تمرین ادامه پیدا می‌کند و گروه بازیگران هم باعث تغییر و جایگزینی و تحول متی می‌شوند. این بده‌بستان و مبادله حتی هنگام اجرا هم کار خود را متوقف رو به‌قبلتر می‌ود. آنچه مهم نیست تمرین و تعمق و تفکر و به یاد آوردن اندیشه‌است؛ چیزی که الان بسیار باب شده توهم است؛ یعنی ما هر قدر توهم تولید کنیم انگار تماشاگر رضی‌تر است. این شرایط اجتماعی امروزمان است و خیلی خطرناک است؛ دیگر انگار کسی نمی‌خواهد به یاد بیاورد. تلاش ما این بوده بیدار کنیم؛ حتی شده یک نفر را. و الان آن توهم است که بسیار قدرتمندتر شده.

**اجرای‌تان نسبت به اجرای جشنواره تئاتر فجر چه تغییراتی داشته‌است؟**
اجرای جشنواره اجرایی بود که ما باید خودمان را می‌رساندیم تا اجرایی را در جشنواره داشته‌باشیم. قطعا برای اجرای عموم باید هستند و تمام می‌دادیم و کار را قوی‌تر و حرفه‌ای‌تر ارائه می‌دادیم. به همین خاطر در طول پنج‌ماه‌ونیم بعد از جشنواره از اول اسفند تا شروع اجرا در ۸مرد تمرین‌ها ادامه داشته و آنها را فشرده‌تر کردیم. آنها را مترپال کار قرار دهم.

**این کشتن خانوادگی در نمایش‌تان، آیا دلالتی بر کشتن‌های روزگار ما نیز خواهد کرد؟ یا آن داستان دیگری دارد؟**
اگر بخواهم پاسخ روشنی‌تری به این سؤال شما بدهم که آیا کشتن خانوادگی در نمایشنامه، دلالتی بر کشتن روزگار ما دارد؛ خب، بله. مرگ در امروز ما کاملاً بی‌معنا و یک امر عادی شده. به پیرامون کشور خودمان که نگاه کنیم جنگ‌های بسیاری را می‌بینیم. خبرهای بسیار زیادی را هر روز می‌شنویم؛ از کشتار، از قتل، از اتفاق‌های بسیار ناگوار! احساس من این است که جهان نسبت به مرگ کاملاً بی‌معنا و بی‌تفاوت شده. بنابراین این مسئله از بیرون ما به داخل ما نفوذ کرده و این الان درون خانوادگی شده؛ این بی‌رحمی‌مان، این بی‌تفاوتی‌مان و این بی‌معنا شدنمان…

**باز یگران شما فکر می‌کنم تعدادی در کارهای‌تان ثابت نشده‌اند و برخی برای نخستین بار حضور دارند، چگونه اینها هم‌تراز می‌شوند؟**
گروه تئاتر کوانتوم ۲ دهه است که کار می‌کند

و بازیگران ثابتی برای خودش دارد و قطعا در هر کاری نیازمند ترکیبی هستیم از جوان‌ها و باتجربه‌ها و تراز کردن این قضیه با تمرین است که این شرایط را برای ما مهیا کردند تا ما بتوانیم این اجرا را انجام دهیم. در حالی که دوستان دیگر کار کرده و چه بازیگران جوان و کم‌تجربه، هر دو با هم و در کنار هم تمرین‌های فشرده و سخت می‌کنند تا بتوانند دستاورد جدیدی را در اجرا داشته‌باشند. ما شعاری داریم که باید مثل یک ساعت سونسیسی کار کنیم پس هر قطعه‌ای مهم است؛ چه چرخنده کوچکی باشد و چه چرخ‌دنده بزرگی. همه در کنار یکدیگر داریم این دقت، ظرافت و درک و عمق را نشان می‌دهیم.

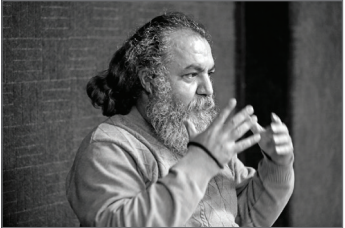
**تمرین‌های سخت شما شهره است؛ آیا با همین واژه باید در سارۀ تمرین‌های‌تان گفت با اصطلاح دیگری برای نتیجه‌بخش بودن کارهای‌تان باید در نظر گرفت؟**
نظر لطف شماست در مورد گروه من و نوع روش من. بله این خیلی سخت‌است. خیلی‌ها حاضر نیستند که این کار را انجام بدهند یا آن را نمی‌پذیرند و این شیوه را قبول ندارند و نظرانشان هم محترم است ولی این شیوه‌ای بوده که ما در این ۲دهه استفاده کرده‌ایم و به گمانم جواب هم داده است و همیشه هم از این قضیه احساس رضایت داشته‌ایم. سخت و طاقت‌فرساست و احساس مسئولیت بیشتری را برای کار کردن می‌طلبد.

**پیش از کشتن در مسیر کارهای‌تان از نظر خود‌تان نسبت به دیگر آثار‌تان از چه جایگاهی برخوردار است؟**

پیش از کشتن در مسیر کارهای گذشته گروه تئاتر کوانتوم، کاری تجربی بوده که ابتدا برای خود من دست‌نآورد خیلی خوبی داشته و متوجه شدم که شرایط اجتماعی خودمان در برخورد با تئاتر، تماشاگر امروزمان، نوع نگاهش و اتفاقی که در تئاتر ما افتاده چگونه‌است و زنگ خطری را برای من به‌صدا درآورده که تئاتر در ایران واقعا دیگر دارد رو به‌قبلتر می‌ود. آنچه مهم نیست تمرین و تعمق و تفکر و به یاد آوردن اندیشه‌است؛ چیزی که الان بسیار باب شده توهم است؛ یعنی ما هر قدر توهم تولید کنیم انگار تماشاگر رضی‌تر است. این شرایط اجتماعی امروزمان است و خیلی خطرناک است؛ دیگر انگار کسی نمی‌خواهد به یاد بیاورد. تلاش ما این بوده بیدار کنیم؛ حتی شده یک نفر را. و الان آن توهم است که بسیار قدرتمندتر شده.

**تالارهای خصوصی نسبت به تالارهای دولتی چقدر برای انجام اجراها می‌توانند رضایت‌بخش باشند؟**

خب این نخستین تجربه من در یک تالار



**آرش دادگر: من به آثار کلاسیک علاقه دارم. از سال‌ها پیش و ابتدای دهه۸۰، در گروه تصمیم بر این شد که پروژه‌های نمایشی‌ما، کار بر متون کلاسیک، رمان و داستان‌ها باشد؛ برای به اجرا درآوردن آنها به آثار مدرن و فضای امروزی تا بتوانیم راهکارهای جدیدی را در شیوه اجرایی و بیان شرایط اجتماعی روزگار خودمان به‌دست آوریم**

خصوصی است و هنوز به پایان کار نرسیده‌ایم ولی می‌توانم بگویم که واقعا ممنونم از آقای جعفری که این شرایط را برای ما مهیا کردند تا ما بتوانیم این اجرا را انجام دهیم. در حالی که دوستان دیگر کار کرده و چه بازیگران جوان و کم‌تجربه، هر دو با هم و در کنار هم تمرین‌های فشرده و سخت می‌کنند تا بتوانند دستاورد جدیدی را در اجرا داشته‌باشند. ما شعاری داریم که باید مثل یک ساعت سونسیسی کار کنیم پس هر قطعه‌ای مهم است؛ چه چرخنده کوچکی باشد و چه چرخ‌دنده بزرگی. همه در کنار یکدیگر داریم این دقت، ظرافت و درک و عمق را نشان می‌دهیم.

**تمرین‌های سخت شما شهره است؛ آیا با همین واژه باید در سارۀ تمرین‌های‌تان گفت با اصطلاح دیگری برای نتیجه‌بخش بودن کارهای‌تان باید در نظر گرفت؟**

## همیشه برای

یادداشت

یادداشتی بر نمایش «پیش از کشتن»

### داستانی کهن که

### بر صحنه‌ای مدرن جان گرفت

جنگ تروا جنگ ۱۰ساله‌ای است که آگاممنون برای آزادکردن هلن، همسر زیبای برادرش منلائوس از جنگ پاریس آغاز می‌کند. در این اتفاق خدایسان به آگاممنون می‌گویند که برای پایان یافتن توفان‌ها و پیروزی در جنگ باید دختر کوچکش ایفی زنی را قربانی کند. نمایش «پیش از کشتن» روایت کشتار بعد از این درخواست خدایان است. ایفی زنی نخستین قربانی زن در جهان است تا ندیای مادر-تبار تضعیف شود. بعد از قربانی شدن او توفان‌ها به پایان می‌رسد آنها به جنگ بازمی‌گردند و در نهایت با درایت و حقه اسب چوبی، پیروز میدان جنگ می‌شوند. وقتی آگاممنون به خانه بازمی‌گردد، همسر او به انتقام خونخواهی دخترش، آگاممنون را می‌کشد، به این صورت جهان مادر-تبار می‌تواند بر جهان پدر-تبار پیروز شود. سپس پسر آنها اوست با خواهرش خواهرش الکترا برمی‌گردد و مادر را می‌کشد و اینگونه بار دیگر جهان مرد-تبار بر جهان زن-تبار پیروز می‌شود.

«پیش از کشتن» نمایشی که این روزها بر صحنه تئاتر جان گرفته، به‌صورت کارگاهی و طی تعامل نویسنده و کارگردان اثر شکل گرفته‌است. این نمایش براساس ترپلوزی «اورستیا» اثر «آیسخولوس» است. با اینکه نمایش برگرفته از متون کلاسیک یونان است، مسائل جامعه مدرن هم در آن عنوان شده‌است. نگاه موجود در این نمایش برآمده از جامعه امروز و درباره انسان در حال تکاپو و مبارزه برای ادامه زندگی است. انسانی که با مشکلات و چالش‌های زندگی دست و پنجه نرم می‌کند. بسیاری از اشارات و نقطه نظرفته‌ای درون نمایشنامه نمونه‌های بیرونی دارند که در زندگی روزمره با آنها سر و کار داریم.

نویسنده نمایش «پیش از کشتن» در آغاز نگارش نمایشنامه همانند سایر همکارهای‌هایش با آرش دادگر، در جلسات و نشست‌های بسیاری حضور یافته و آنها به گفت‌وگوی طولانی با هم پرداخته‌اند. در این تعامل آنها در مورد نگرش خود به کلیت داستان و کاراکترها با هم گفت‌وگو کرده‌اند. در این میان برخی کاراکترها را حذف یا اضافه کرده و در راستای متن و کاراکترها اتوذهای‌ای طراحی و نوشته‌اند. لازم به ذکر است که از ویژگی‌های آقای دادگر این است که هیچ‌وقت اتود پیشنه‌های از جانب نویسنده اثر را دور نمی‌اندازد و در طول تمرینات و نگارش درصورت نیاز آنها را به‌خاطر می‌آورد و پیشنه‌ها اضافه کرد نشان در متن را می‌دهد. البته این شکل از تعامل همیشه همراه با آرامش نیست و چالش‌هایی به همراه دارد. اما مسلما این جدال‌ها بسیار لذتیخش است چون در نهایت به نتیجه مطلوبی در آفرینش متن ختم می‌شود.

آنها از روز نخست فعالیت‌شان شروع به ایده‌پردازی کرده‌اند و در آن میان، یک‌سری هدف‌گذاری‌ها را انجام داده و در این مدرن‌سازی در راستای اهداف و ایده‌های تعیین شده‌ای حرکت کرده‌اند. آثار با اعتقاد بر این موضوع که اگر احساس کنند چیزی را به‌دست نمی‌آورند به سراغش نمی‌روند، به‌کار خود ادامه داده‌اند. آنها برای رسیدن به برنامه و هدف تعیین‌شده خود بسیار تمرین و تلاش کرده و در این راه اتودهای زیادی را طراحی کرده‌اند. همچنین ساعت‌ها در مورد اتودها و دیالوگ‌ها گفت‌وگو کرده و نمایش را از زوایای مختلف ارزیابی کرده‌اند، بنابراین در این نوع مدرن‌سازی به مشکلی برخوردند و تلفیق داستانی کهن با مسائل جامعه مدرن آنها را دچار سرگردانی و حتی نگرانی نکرده‌است.



در نگارش نمایشنامه به‌صورت انفرادی، گاه نتیجه خوبی حاصل می‌شود و گاه بالعکس، اما با توجه به اینکه نویسنده و کارگردان این نمایش سال‌ها به این شکل با هم همکاری داشته‌اند و حاصل آن تولید آثار نمایشی بوده‌است، در نتیجه این شکل‌نگارش نمایشنامه برای آنها مفید و پیش‌برنده بوده‌است. حتی می‌توان گفت این همکاری باعث ارتقای آثار بیشتر آنها شده‌است و به آنها برای دستیابی به ایده‌های بیشتر و اثرگذارتر کمک کرده‌است. امروز بعد از ۱۵سال آنها در جایگاهی ایستاده‌اند که یکدیگر را به‌طور کامل می‌فهمند. قطعا چالش‌های فراوانی هم با همدیگر دارند اما این موضوع هم در شکل‌گیری یک اثر نمایشی قابل توجه‌است. از طرفی در همکاری آنها به‌صورت کارگاهی نه‌تنها انسجام متن به هم نمی‌یزد، بلکه حضور کارگردان و نویسنده اثر در کنار هم و تبادل نظر بین آنها بسیار کار آمد است. مسلما نقطه‌نظرهای متفاوتی که هر یک ارائه می‌دهند در نگارش متنی پویاتر مؤثر خواهد بود. امیدواریم این شکل از تعامل بیشتر بین هنرمندان مرسوم شود.

تمرینات این نمایش در دوران شیوع کرونا بوده‌است و این روزها که نمایش روی صحنه است، همچنان کرونا وضعیت یفرنج دوران مدرنستیم است. مسلما گروه نمایش با مشکلات مربوط به این پدیده مواجه بوده و هستند. اما این موضوع شاید به ظاهر همه را از هم دور کرده و حساری دور آنها کشیده‌است ولی باعث شده‌است، خیلی‌ها از طریق فضای مجازی بتوانند با هم ارتباط برقرار کنند و گفت‌وگوی بیشتری داشته باشند. نمایش «پیش از کشتن» هم در همین فضا و در این ارتباط نتگاتنگ شکل گرفته‌است. اما چیزی که بیش از کرونا اعضای گروه نمایش «پیش از کشتن» را از زده‌است عدم حمایت و همدمی مدیران فرهنگی بوده‌است. امروز که نمایش روی صحنه است، گروه اجرایی آن بسیار خوشحال هستند که با تلاش‌ها و پیگیری‌های کارگردان اثر، ارش دادگر دوران نامیدی را پشت سر گذاشته‌اند و نتیجه روزها تمرین و ممارست را روی صحنه تئاتر به‌عمر نشانده‌اند.